

شهر من

جلد اول

چهره‌های فرهنگی هنری شهریار

عکسهای محمد تاجیک

www.ketab.ir

سرشناسه
عنوان و نام پدید آور : شهر من : (چهره های فرهنگی هنری شهریار) /
مولف و عکاس محمد تاجیک ، مترجم دکتر محسن شجاع خانی .
مشخصات نشر : تهران : کتاب آبان ، ۱۳۸۶ .
مشخصات ظاهری : ۱۸۵ ص . : عکس .
شابک : 9789648913385
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : Mohammad Tajik . Shahre man :
cultural and art personalities of Shahriyar
عنوان دیگر : چهره های فرهنگی هنری شهریار .
موضوع : مشاهیر - ایران - شهریار - مصور .
شناسه افزوده : شجاع خانی ، دکتر محسن ، مترجم .
رده بندی کنگره : DSR ۲۰۹۷ / ۸ / ۲۱۳۸۶
رده بندی دیویی : ۹۵۵ / ۱۲۵۴۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۲۶۷۲۴



انتشارات کتاب آبان

شهر من
(چهره های فرهنگی هنری شهریار)

مولف و عکاس : محمد تاجیک

گرافیک کامپیوتری : محمدرضا فراهانی

ترجمه : دکتر محسن شجاع خانی

نظارت چاپ : علی زارعی

لیتوگرافی : فرآیند گویا

چاپ : ایبانه

نوبت چاپ : اول ۱۳۸۷

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد قیمت : ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک : ۸۵ - ۳۳ - ۸۹۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ISBN : 978-964-891-33-85

خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوی داریان، مجتمع ناشران، واحد ۱۰

تلفن : ۶۶۹۵۵۰۱۲ (۶ خط) فاکس : ۶۶۴۰۱۶۴۳

Website : www.abanbook.com

Email : Info @ abanbook.com

هر گونه استفاده از تصاویر این کتاب منوط به اجازه کتبی از عکاس می باشد.

محمد تاجیک . ۱۳۴۸ تهران

تا جایی که خاطرم هست شاید سال ۱۳۶۲ بود که سید محمد رفیق تو حیاط بسیج شهریار داشت عکس می‌گرفت . به دستاش و دوربین نگاه می‌کردم و مونده بودم داره چیکار میکنه . علاقمند شدم اونم بایه نگاه ! . بعدا حرف زد و یاد داد و دوربین رو داد دستم . گفتم فقط عکس بگیر . بعد از اون از در و دیوار و عالم و آدم عکس گرفتم . زهوار دوربین در رفت . جایزه ی کار سه ماه تابستون باغ دایی ، شد دوربین جدیدم و با دوربین نو رفتم جنگ ، از اون موقع معمولا همراهمه . سالهای نه چندان دور با اثار و اندیشه بزرگانی چون فخرالدینی ، کسرائیان ، جلالی ، گلستان و آوینی آشنا شدم . با اینهمه راه رفته . هنوزم معتقدم که نمیدونم باید چیکار کنم تا بعد خدا چی بخواد .

بنام خدا

در دانشگاه هنر وقتی به بحث رنگها رسیدیم، اساتید، مفهوم رنگ سیاه را انتهای کار، پایان راه ناامیدی، مرگ، عزای و بن بست گفتند. همچنین گفته میشد سیاه پایان راه است اما وقتی عکسهای تاریک و سیاه محمد را دیدم، نه تنها در آن ناامیدی ندیدم، نه تنها پایان راه را حس نکردم بلکه فقط امید دیدم و نور. مثل نور صبح که از پنجره کوچک اتاق قدیمی به داخل تابیده میشد، روزنه ای را دیدم که نوید صبح میدهد

شاید این عکسها بتواند نوید صبح روشن را به مردم شهریار بدهد و مردم این خطه از مرز پر گهرمان، به مصداق: آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد، گمشده های خود را در جاهای دیگر دنبال نکنند. انشا الله

سید محمد رفیق

پائیز ۸۶

احساس هنری و ضمیر هنرمند باید شالوده ای از حکمت و اندیشه و معرفت با خود به همراه داشته باشد به بیان دیگر راهنمای درک زیبایی و جلال حضرت پروردگار باشد. از این روست که باید در اوج خود به عینیت برسد. اثر هنری وجود خارجی یک احساس لطیف است که برای انسان دیگر، قابل حس و درک می‌گردد و با اشکال و فرمهای خاص خود بیان میشود.

خامی و عدم پختگی در مراحل فوق، عامل افتراق و عدم هماهنگی است. احساس هنری، یک رشته از ادراکات عمیق و دقیق را در پی دارد که از لطافت درونی و باطنی آن، هنر زائیده میشود احساس هنری امری است که تقلید و شبیه سازی تام و کامل را ناممکن میکند و از این روست که زمان و مکان و تنوع ذات و احساس در اثر پدیدار است و تکرار، تقریباً ناممکن و دشوار می‌شود.

هنر، گاه محصول تمنای سریع و آنی در ذات هنرمندی است که سراپا، همیشه، همه جا و در همه حال در کوشش مستمر، گویی جوشش را در خویشتن خویش می‌پرورد و خود در انجذاب کمال هنر حذف میشود. هنر به واقع و در اصل معنای پدیده ایست که مانند علم، ما را به گوشه ای از حقایق عالم واقع و وحدت، آگاه می‌نماید. در این میان نکته مهم و اثر گذار، تعهد هنرمند به اصالت و نحوه رسالت هنری اوست که میتواند اساس هنر را محفوظ و دایره درک مخاطب عام را وسیع تر کند. پس از طی طریق و چنگ زدن به ریسمان تکنیک از این به بعد است که مراحل چشم چرانی و بلوغ مقامات والای انسانی و اخلاقی آغاز می‌شود و هنرمند به دنبال درک نکات و ظرایف مشق و اداب تربیت سر از پا نخواهد شناخت.

ابزار فقر و نداری و فروتنی از جمله برکات این دوران است که باعث گرفتن ارتفاع و دست یابی به مقامات دست نیافتنی می‌شود. چه اگر این نکات حاصل شود همان رسالت هنری اتفاق افتاده است و سر منزل حقیقی که همان رسیدن به کمال الهی است نزدیک خواهد شد.

به جز این راه، هر مسیری خطرناک و خانمانسوز است و نتیجه ای جز درکات و مقامات پائین نخواهد داشت. ایجاد حسرت‌های طولانی و انتفاع بی بهره از دنیا و عمر بی حاصل و تشویق‌های فانتزی و کور دنیایی. فرو رفتن در توهمات تیره و دلخوش کردن به تمجیدها و مداحی‌های بی شمار، که این چیزی جز عین گمراهی و تاریکی نیست.

سر منزل مقصود هنر، همان حیرت در جاودانگی آن هنرمند گمنام و غریب است که بی منت و درخواست می‌افریند و قلم به رقم هستی می‌زند بی آنکه نام و امضایی و بی آنکه نیازی به سپاس و تشکر مخلوق داشته باشد. فقط در اندیشه بخشش و مهر افزایی و صلح است. و شاید خود فقط به سپاس خود قادر باشد که فتبارک الله احسن الخالقین

و بعد اینکه دغدغه های مختلف در فکر و ذهن من باعث بروز این دفتر از مجموعه ۵ جلدی شهر من شد این راه پرتلاطم و ناهموار با مدد از ساحت پاک هنر ناب و بهره گیری از تکنیک های شخصیتی اساتید فن و اخلاق، صاف و پیمودنی شد. اگرچه محصول، شاید در خور نام بزرگان نیست اما امید دارم به مصداق قطره ای از بیکرانگی دریای هنر ناب ایران زمین، مورد توجه مردم پاک رو و با ایمان شهرم قرار گیرد

کتاب چهره های فرهنگی هنری شهریار بناست تا نشانگر گوشه ای از اصالت ایرانی بودن و ناب نگری در همه زمینه ها را به نمایش بگذارد. بناست تا بگویند فرزندان این خطه از سرزمینمان سزاوارند تا به بهترین القاب و صفتهای انسانی، نامبرده شوند. و این مشتی است از هزاران خرمن اینجا سرزمینی است که مردانش طی هزاران سال ثابت کردند میتوانند فاتح دست نیافتنی ترین قلل باشند اینجا فرزنداناش تا نهایت جان جنگیدند و خون دادند و پاره پاره شدند تا خاک و حیثیت و شرف و ایمان بماند

نشان دادن افتخارات اینان به چند عکس و خط و یاد میسر نمیشود، بلکه اینگونه آثار صرفاً یادگاری است برای فرزندانمان تا بدانند در اتمسفری تنفس میکنند که عرق جبین و خون جگرها برای اعتلای آئین و اصالت انسانی شان به زمین ریخته شده. تا آنان نیز در ظلمت حاصل از تجاوز و غارت بیگانه، راه را از بیراه تمیز دهند. بمصداق رفتن، رسیدن است. بروند و بجویند و در مسیر گزینش ناب قرار گیرند در زمانه ای که اشرار از ابرار مشهورترند و طراری و بی مروتی گوش می خراشد، شاید بتوان در لا بلای اینگونه صفحات پرافتخار، عیاری و مردانگی یافت. تصاویر کتاب، پرتره هایی از نمایندگان خلف مردم نجیب و با محبت شهریار است. از این دست چه بیاورند که شاید دهها جلد بهتر و نفیس تر از این باید تا گوشه ای از ارزشهای انسانی شان نشان داده شود

کوتاهی دست و بی هنری من سبب شد تا بیش از این نتوانم. امید دارم آیندگان و جوانان بیاس داشت ارزشهای والای انسانی و خدایی، و به برکت ناب هنر رهروان صدیق و پوینده ای باشند. ایدون باد

سپاسگزاری

دوست دارم از همه کسانی که در تمام مراحل انجام کار، پشتیبان و همراهم بودند قدردانی کنم. اگرچه شاید کلمات گویای آنچه گذشت و دیدم نیست اما این، رسم ادب و احترام به کسانی است که دغدغه شان انجام کار بود و نه چیز دیگر

دوستان نازنینم علی رهگذر، سید محمد رفیق، اسفندیار ایمانزاده و حسین تقوی که پا به پای من، بی دریغ گفتند و راه بردند و بخشیدند. استادام فخرالدین فخرالدینی که با صبر و حوصله فراوان، تحمل همه ناشکیبایی و بی هنری ام را کرد و میکند. همچنین سپاس فراوان از اندیشه های معنوی و پدرانۀ استادام سید محمد حسینی موحد را دارم و اینها همه بیش از حق من بود و جوابی جز تسلیم و کرنش ندارم و نخواهم داشت

توضیح

مجموعه حاضر شاید بخش ناچیزی از دریافتها و برداشت شخصی من در نگاه به اهالی فرهنگ و هنر شهریار است. با این توضیح کاملاً آشکار است که این به معنای محدودیت تعداد نفرات در منطقه نبوده و نیست. این کار سرآغازی است برای کارهای بیشتر و دقیقتر. عده ای از اینگونه دیده شدن امتناع کردند و عده ای هم در دسترس جغرافیایی نبوده و برخی هم در حین آشنایی و ورود به برنامه برحمت خدا رفتند.

. قرار گرفتن تصاویر بر حسب سال تولد افراد است

ممیزی و انتخاب بر اساس رایزنی با گروه صاحب نظر انجام گرفته. اگرچه تعداد افراد در بخشهای گونه گونه هنری، کار انتخاب را سخت کرد اما بر آن شدم تا گزینه های موجود نشان داده شوند و صد البته این به معنای ارزش تام ایشان و در نتیجه کم بها بودن افراد غایب نیست. محدودیت آثار و هم سطح بودن در زمینه های مشترک سبب شد عده ای بکار گرفته نشوند که بعد از این بمنظور پاسداشت ایشان، در برنامه های بعدی ام مثل نمایشگاه مرتبط با چهره ها، از تصاویر این دوستان استفاده خواهم کرد

www.ketab.ir

یاد

حق مطلب این است یادی کنم از گذشتگان که صد افسوس جایشان در بین چهره ها خالی است. محمد جعفر ثمری،
علی قرنی، مرتضی آوینی، باب الله زارعی، عبدالله زمانپور، حسن مداحی، جواد حضرتی، مریم تاجیک، احمد
هجرت